

ضرورت توجه عمیق رسانه‌ها به مسائل کار گران

حسین حبیبی، دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران از میهمانان غرفه رسانه‌های تامین اجتماعی در نمایشگاه مطبوعات، با اشاره به‌ضرورت توجه عمیق رسانه‌ها به مسائل کار گران تاکید کرد: «به‌زودی جمعی از کار گران با اخذ مجوز قانونی در مقابل مجلس گرد هم می آیند تا مخالفت خود را بلند و شفاف نسبت به طرح برخی تغییرات در لایحه قانون کار، ادغام بخشی از بیمه در مان تامین اجتماعی با بیمه سلامت، و توسعه و گسترش مناطق آزاد تجاری و صنعتی اعلام کنند.»

وی با اشاره به اینکه اغلب رسانه‌ها به دلیل برخی محدودیت‌ها از انعکاس همه‌جانبه مطالبات جامعه کار گری دریغ می کنند، تصریح کرد: «جامعه کار گری ۵۴در صد جمعیت کشور را در بر می گیرد و نمی توان مطالبات این جامعه را نادیده گرفت.»

یکشنبه ● ۲۳ آبان ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و نه

ا ت ی ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

هیچ وقت از اصولمان کوتاه نیامدیم

گفت‌وگو با عباس یاری، دبیر تحریریه ماهنامه فیلم، درباره دغدغه‌ها، روبه‌ها و اولویت‌های صنفی روزنامه‌نگاری



هوشنگ گلمکانی (اولین سمت راست) و عباس یاری (اولین نفر از سمت چپ) در غرفه مجله فیلم در کنار ناصر بزرگمهر (نفر وسط) سردبیر روزنامه «صمت»

تعداد روزنامه‌نگارانی که امید داشته باشند روزنامه‌نگار بازنشسته شوند روز به روز کمتر می شود. نگاه بلندمدت به حرفه روزنامه‌نگاری، زیر فشارهای ناشی از مشکلات معیشتی و آینده غبارآلود آن، در این حرفه کمرنگ تر از همیشه شده است. عمر حرفه‌ای روزنامه‌نگارانی که با اشتیاق دست‌به‌قلم می شوند و به جرگه روزنامه‌نگاران می پیوندند گاه به ۵ سال هم نمی‌رسد. بسیاری در میانه راه و یا حتی در بهترین روزهای شکوفایی حرفه‌ای خود به دلیل تنگناهای معیشتی و در راس آن‌ها دستیابی به بیمه اجتماعی برای پوشش نیازهای درمانی و بازنشستگی روزنامه‌نگاران به یکی از دغدغه‌های جدی صنفی این طیف تبدیل شده است. شاید نگاه کردن به نشریه‌هایی که توانسته‌اند بر خلاف پیش فرض غالب و جاافتاده کوتاه‌زستی مطبوعات ایرانی، با ساختاری منظم و قوام یافته منتشر شوند بتواند برای راهکار یابی کمک کننده باشد. مجله «فیلم» یکی از این خرق عادت‌های جامعه نه‌چندان بزرگ روزنامه‌نگاری ایران است. پیش از سه دهه انتشار منظم یکی از پر مخاطب ترین و حرفه‌ای ترین ماهنامه‌های تخصصی کشور توسط سه چهره نام‌آشنای روزنامه‌نگاری ایران نمونه خوبی است برای پرس و جو کردن درباره چگونگی ر تق و فثق امور صنفی در تحریریه‌ای که چند نسل از مطرح ترین روزنامه‌نگاران سینمایی ایران در آن تربیت شده، رشد کرده و حتی بازنشسته شده‌اند. نام مجله فیلم با هوشنگ گلمکانی، عباس یاری و مسعود مهرابی در هم تنیده است. سه سینمایی نویسن قدیمی که مجله‌شان را با مشقت و پای فشردن بر اصول و البته آنگونه که بارها گفته‌اند با خون دل خوردن، به کار گاهی حرفه‌ای برای ژورنالیسم سینمایی تبدیل کرده‌اند. در نمایشگاه مطبوعات امسال، فرصتی دست داد تا میهمان عباس یاری باشیم. کسی که مدیریت تحریریه مجله فیلم بر عهده اوست. او در گفت‌وگو با آتیه‌نو از راهکارها و الگوهای مجله فیلم برای سروسامان دادن به امور صنفی و معیشتی و دغدغه‌های بیمه‌ای کسانی می گوید که سال‌هاست برای انتشار مجله فیلم و تبدیل آن به کارگاه روزنامه‌نگاری تخصصی با او و دو یار دیرینه‌اش همراهی می کنند.



● **رضا جمیلی** ●

● روزنامه‌نگار ●

مالی و حرفه‌ای، عطای قلم را به لقایش می‌بخشند و یا جذب روابط عمومی سازمان‌های مختلف می‌شوند و یا دور از هیاهوی خبر و اطلاع‌رسانی، شغلی دیگر را برمی‌گزینند. از طرفی هم ترازوی این جوان مرگی با عمر کوتاه بسیاری از مطبوعات ایرانی این فرضیه را پیش می‌کشد که در مطبوعاتی که نمی‌توانند آن قدر عمر کنند و ریشه بوندان که عمرشان حداقل به یک دوره بازنشستگی کارمندی قددهد، نمی‌توان از کارکنان تحریریه‌های آن‌ها یا همان روزنامه‌نگاران انتظار ماندگاری بیشتر داشت. هرچه هست، مشکلات معیشتی و در راس آن‌ها دستیابی به بیمه اجتماعی برای پوشش نیازهای درمانی و بازنشستگی روزنامه‌نگاران به یکی از دغدغه‌های جدی صنفی این طیف تبدیل شده است. شاید نگاه کردن به نشریه‌هایی که توانسته‌اند بر خلاف پیش فرض غالب و جاافتاده کوتاه‌زستی مطبوعات ایرانی، با ساختاری منظم و قوام یافته منتشر شوند بتواند برای راهکار یابی کمک کننده باشد. مجله «فیلم» یکی از این خرق عادت‌های جامعه نه‌چندان بزرگ روزنامه‌نگاری ایران است. پیش از سه دهه انتشار منظم یکی از پر مخاطب ترین و حرفه‌ای ترین ماهنامه‌های تخصصی کشور توسط سه چهره نام‌آشنای روزنامه‌نگاری ایران نمونه خوبی است برای پرس و جو کردن درباره چگونگی ر تق و فثق امور صنفی در تحریریه‌ای که چند نسل از مطرح ترین روزنامه‌نگاران سینمایی ایران در آن تربیت شده، رشد کرده و حتی بازنشسته شده‌اند. نام مجله فیلم با هوشنگ گلمکانی، عباس یاری و مسعود مهرابی در هم تنیده است. سه سینمایی نویسن قدیمی که مجله‌شان را با مشقت و پای فشردن بر اصول و البته آنگونه که بارها گفته‌اند با خون دل خوردن، به کار گاهی حرفه‌ای برای ژورنالیسم سینمایی تبدیل کرده‌اند. در نمایشگاه مطبوعات امسال، فرصتی دست داد تا میهمان عباس یاری باشیم. کسی که مدیریت تحریریه مجله فیلم بر عهده اوست. او در گفت‌وگو با آتیه‌نو از راهکارها و الگوهای مجله فیلم برای سروسامان دادن به امور صنفی و معیشتی و دغدغه‌های بیمه‌ای کسانی می گوید که سال‌هاست برای انتشار مجله فیلم و تبدیل آن به کارگاه روزنامه‌نگاری تخصصی با او و دو یار دیرینه‌اش همراهی می کنند.

■ **نگاه صنفی شما در مجله فیلم چه ویژگی‌هایی دارد؟ وقتی فرد جدیدی به تحریریه اضافه می‌شود برای اینکه خیال‌آورا از بحث‌های معیشتی‌اش راحت کنید چه فرایندی طی می‌شود؟**

اخیرا افراد جدیدی به تحریریه‌مان اضافه کرده‌ایم. به طور کلی طی سه دهه گذشته افراد زیادی به تحریریه ما اضافه شده‌اند. نکته مهم این است که کسانی که به مجله فیلم می‌پیوندند نیاز ندارند ما به آن‌ها اطمینانی درخصوص دغدغه‌های معیشتی‌شان بدهیم. اول اینکه همه آن‌ها به دنبال علاقه شقی و علاقه عمیق به تیم ما می‌پیوندند. یعنی کسانی که به ما اضافه می‌شوند حتی اگر بداند پولی در یافت نمی‌کنند، و حتی اگر بیمه‌ای هم در کار نباشد، به دلیل علاقه‌ای که به سینما دارند وارد مجله فیلم می‌شوند. یعنی این مجله برای آن‌ها جایی گذرا و یا نرزدبان نیست و نگاهشان به این همکاری بلندمدت است. اما چون خود ما سه نفر کار و زندگی‌مان را در مطبوعات شروع کرده و گذرانده‌ایم، تلاش می‌کنیم از هر چیزی که در سال‌های ابتدایی شروع به کار ما را اذیت کرده برهیز کنیم و حتی عکس آن عمل کنیم. با این رویکرد است که هر کسی که به ما اضافه می‌شود اگر در کادر اداری باشد بی هیچ شک و تردیدی از روز اول بیمه می‌شود و بچه‌هایی را هم که پارموقت با ما همکاری می‌کنند ولی می‌دانیم ماندگار خواهند بود بیمه می‌کنیم. ما به عنوان مجله ماهانه بخش خصوصی، که هیچ نوع وابستگی به هیچ جایی نداریم، در حال حاضر حدود ۱۴ یا ۱۵ بیمه‌شده داریم.

■ **باسابقه‌ترین همکار شما، البته به استثنای خود شما سه نفر، که در مجله فیلم کار می‌کند چه کسی است؟ کسانی هستند که در مجله فیلم بازنشسته شده‌اند و هنوز هم با همکاری می‌کنند. البته نمی‌دانم اینکه دوباره با ما کار می‌کنند از نظر قانونی مشکلی دارد یا نه. امیدوارم کسی بابت این موضوع برای ما دردرس ایجاد نکند! چون شنیده‌ام بازنشسته‌ها نمی‌توانند کار کنند. خوشبختانه در مجله فیلم هیچ بازنشسته دولتی وجود ندارد. برای نمونه بگویم آقای محمد شبکی که هم حسابدار و هم منتقد ماست، آقای مسعود صدری و یا آقای محصصی که عکاس ماست؛ این دوستان در مجله فیلم کار کرده‌اند و بازنشسته شده‌اند.**



● **ناصر بزرگمهر** ●

● روزنامه‌نگار پیشکسوت ●

کالبدشکافی بی‌ثباتی

در حرفه روزنامه‌نگاری

آسیب‌شناسی مطبوعات در ایران و ارائه تحلیلی جامع از چرایی نامساعد بودن شرایط روزنامه‌نگاران نیازمند توجه به چند مولفه اساسی است. متأسفانه نبود ثبات حرفه‌ای در جامعه مطبوعاتی کشور ما و جدی نگرفتن این حوزه توسط اغلب روزنامه‌نگاران و صاحبان امتیاز روزنامه‌ها باعث شده حق و حقوق خبرنگاران و روزنامه‌نگاران شامل دستمزد و بیمه و حتی عناوین شغلی‌شان مورد توجه جدی قرار نگیرد. ساده‌ترین شکل قضیه این است که وقتی یک خبرنگار به موسسات مطبوعاتی مراجعه می‌کند و می‌گوید که دارای سابقه ۱۰-۲۰ساله است، حتی از ارائه یک برگه و مدرکی که نشان دهد این سابقه چندین و چندساله از کجاست ناتوان است. موسسات مطبوعاتی احکام درست‌و‌سوالی برای روزنامه‌نگاران صادر نمی‌کنند. حوزه‌های کاری را تفکیک نمی‌کنند. به دلایل مالی حق بیمه آن‌ها را به‌موقع و واقعی پرداخت نمی‌کنند و یا اصلا آن‌ها را تحت پوشش بیمه‌ای قرار نمی‌دهند؛ حتی می‌توان گفت برخی رسانه‌ها روزنامه‌نگاران را فاقد هویت کرده‌اند. یعنی عکس و نام روزنامه‌نگار را کنار مطلب نوشته‌شده توسط او قرار نمی‌دهند. در حالی که یکی از ویژگی‌های جوامع پیشرفته در حرفه روزنامه‌نگاری این است که مطالب دارای هویت باشند تا راه کپی‌کاری بسته شود. طبیعتا روزنامه‌هایی که از جنبه شخصی خارج می‌شوند و تبدیل به موسسه می‌شوند به طور معمول ایسن هویت را به صورت بهتری به روزنامه‌نگاران اعطا کرده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای اساسی این است که روزنامه‌ها از صاحب‌امتیازهای حقیقی به حقوقی تبدیل شوند. اولین خاصیت چنین کاری این است که اگر روزنامه‌ای در برابر مسائل حقوقی و یا کیفری قرار بگیرد و یا در گیر مشکلات دیگری شود، حیات آن ادامه پیدا می‌کند. به طور مثال اگر صاحب‌امتیاز یک روزنامه فوت کند، از نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این روزنامه باید تعطیل شود. در حالی که اگر این روزنامه یک موسسه حقوقی باشد و سهامدارانی داشته باشد، با فوت صاحب امتیاز نیاز نیست این روزنامه تعطیل شود. وقتی روزنامه از خصلت حقیقی خارج و واجد خصلت‌های حقوقی شود، در پی آن مواردی مانند بیمه، تامین اجتماعی و مالیات ... جنبه‌های جدی‌تری به خود می‌گیرند و روزنامه الزاما به سمت سازو کارهای مطمئن تری می‌رود. از دیگر معضلات اصلی روزنامه‌نگاران، ناشتن ثبات شغلی و بدتبع آن جابه‌جایی‌های بی‌درستی و رفتن از این روزنامه و مجله به جاهای دیگر است. گاهی روزنامه‌نگار به خاطر دستمزدهای بسیار ناچیز، که اغلب به دستشان هم نمی‌رسد، دائم از این جریده به آن جریده می‌رود و همین رفت‌وآمد فرصت فکر کردن به منافع و حق و حقوق دیگر را به او نمی‌دهد. اکثر روزنامه‌نگاران ما فاقد قرارداد هستند. از طرف دیگر مقایسه هزینه‌های ایجاد اشتغال در حوزه مطبوعات با بخش صنعت تصویر بهتری از اوضاع‌واحوال روزنامه‌نگاری در کشور به دست می‌دهد. برای ایجاد یک کارگاه کوچک در بخش صنعت براساس آمارهای مرکز آمار به حدود ۳۰۰ میلیون تومان هزینه نیاز است تا شغل ایجاد شود. در هر روزنامه و مجله حداقل ۱۰ نفر مشغول به کارند که اگر آن را با یک کارگاه صنعتی مقایسه کنید در آن صورت دولت باید حدود صدها میلیون تومان برای اشتغال این ۱۰ نفر هزینه می‌کرد. در نتیجه اگر در یک موسسه مطبوعاتی ۱۰۰ نفر مشغول به کارند، باید تصور کنیم که صدها میلیون تومان می‌توانست هزینه نشود تا این موسسه شکل بگیرد. چرا با تعطیل شدن چند کارگاه صنعتی و یا ساختمانی، سروسضای زیادی بلند می‌شود اما با تعطیل شدن ده‌ها روزنامه و مجله صدای هیچ‌کس بلند نمی‌شود؟ مگر بحث کارفرما و نیروی کار نیست؟ مگر بحث ایجاد شغل نیست؟ بنابراین دولت و نظام بانکی باید به روزنامه و کل خانواده مطبوعات به‌عنوان کارگاه‌های ایجاد شغل نگاه کنند. موسسات مطبوعاتی در حوزه فرهنگ ایجاد شغل می‌کنند اما مجوز آن‌ها در حد مجوز یک کسبو کار ساده هم نیست. برای مثال سپردن جواز کسب یک مغازه ۱۰ متری در دادگاه به عنوان وثیقه و ضمانت کافی می‌کند اما مجوز روزنامه‌ای با تیراژ چند هزار تایی و ده‌ها کارمند و خبرنگار مورد تایید نیست. از همین قصه می‌توان به وضعبت اندوهبار روزنامه‌ها و به طور کلی رسانه‌های کشور پی برد. معضلات و دردهای خانواده مطبوعات با مطرح شدن است که قابلیت حل شدن پیدا می‌کنند. روزنامه‌نگاران دردهای دیگری را به‌خوبی منعکس می‌کنند اما در مقابل رنج‌های خودشان صدایشان در نمی‌آید و سکوت پیشه می‌کنند.

■ **چطور توانسته‌اید این کار را انجام دهید؟ در حال حاضر تاخیرهای دوماهه در پرداخت‌ها خیلی طبیعی محسوب می‌شود، و حتی مدیر مسئولی که با دو ماه تاخیر حق‌التحریرها را می‌پردازد جز خوش حساب‌هاست!**

ما در مجله فیلم و در طرف کارفرمایی آن یک اصل داریم. اگر سر ماه شد و درآمد مجله طوری بود که با یاد حقوق خودمان را برداریم یا حقوق نویسندگان را بدهیم و پرداخت هم‌زمان هر دو ممکن نباشد، بدون تردید حقوق همکارانمان را برپا داریم. کسانی که با ما کار می‌کنند باید به‌موقع پولشان را دریافت کنند. روزهایی بوده که ما از پس اندازه‌مان به حساب مجله ریخته‌ایم تا همکارانمان با تاخیر حقوق نگیرند. بیش از ۱۳۰۰ نفر طی این سال‌ها به مجله فیلم مطلب داده‌اند. امکان ندارد یکی از آن‌ها را پیدا کنید که بگوید حق‌التحریر فلان مطلب من پرداخت نشده است. حتی اگر به آن پول نیاز نداشته، ما آن را پرداخت کرده‌ایم.

■ **یعنی ایسن روبه‌ای که الان در برخی مجلات یا روزنامه‌های اسم‌ورسم‌دار کشور مر سوم شده در مجله شما وجود ندارد؟ اینکه چون مجله برند است همین که مطلب شما چاپ می‌شود باید راضی باشید و دیگر از حق‌التحریر خبری نیست!**

اصلا. البته ما در مجله فیلم صندوقی داریم که همکارانمان پول‌هایی را در آن می‌گذارند و بعدها می‌توانند از آن وام بگیرند. بوده‌اند کسانی که به ما مطلب داده‌اند و بعد از ما خواسته‌اند حق‌التحریرشان را به آن صندوق بریزیم. ولی اصل برای ما این است که چه افراد نیاز داشته باشند چه بی‌نیاز باشند حق‌التحریر را پرداخت کنیم، آن هم بدون تاخیر.

■ **اما الان اوضاع مطبوعات از لحاظ اقتصادی به گونه‌ای است که بسیاری از مدیران مسئول یا صاحبان امتیاز در برابر درخواست‌های به حق صنفی روزنامه‌نگاران مثل بیمه، مدام از بد بودن اوضاع می‌گویند و حتی شرایط به گونه‌ای است که خیلی وقت‌ها خبرنگاران ترجیح می‌دهند چنین حقوقی را مطرح نکنند.**

برخلاف روحیه‌ای که الان در جامعه مطبوعاتی حاکم است و مدام می‌گویند اوضاع خراب است، ما همیشه تلاش داشته‌ایم به همکارانمان نشان دهیم که اتفاقا اوضاع مجله خیلی هم خوب است! چون اعتقاد داریم القای این بد بودن روی کار همکاران ما تاثیر بد می‌گذارد و ترکش‌های آن برمی‌گردد به سمت خود ما. نویسنده مجله فیلم باید احساس کند در جایی کار می‌کند که خیلی اوضاع آن خوب است. تا حالا کسی از من نشنیده که بگویم اوضاع خراب است. کسی که می‌خواهد برای نوشتن یک مطلب تحقیق کند، وقت بگذارد و تلاش کند باید مطمئن باشد آن را برای جایی انجام می‌دهد که بنایش مستحکم است.

■ **از سوی برخی کارفرماهای مطبوعاتی این روزها این گلایه زیاد شنیده می‌شود که روزنامه‌نگاران ماهر کم شده‌اند و کار مطبوعاتی کیفیت سابق را ندارد و همین موضوع هم بر تعداد مخاطبان تاثیر گذاشته است و با این استدلال بخشی از ارزان خریدن خدمت روزنامه‌نگاران را توجیه می‌کنند. در حوزه سینما آیا واقعا نسل جدید نویسدگان شما در مقایسه با قدیمی‌های هر کیفیت پایین‌تری دارند؟**

نه، چرا که ما تمام مطالبی را که در مجله چاپ می‌شود نقطه‌به‌نقطه و سطر به‌سطر قبل از چاپ می‌خوانیم. این خواندن هم فقط برای این است که مطمئن شویم به‌اصولی که به‌آن اعتقاد داریم نزدیک است. کسی که استانداردهای ما را نداشته باشد اصلا وارد مجله فیلم نمی‌شود. خیلی‌ها بوده‌اند که با چنین سختگیری‌هایی یکی دو مطلب به ما داده‌اند و بعدها فهمیداند جایشان در مجله فیلم نیست و رفته‌اند. بعضی تشریاتی را ورق می‌زنم و فکر می‌کنم فله‌ای مطالب را در صفحه ریخته‌اند. مطلب شاید بسته‌بندی یا طراحی خوبی داشته باشد اما حرفی برای گفتن ندارد و اصلا جلو نمی‌رود. آدم می‌ماند که چطور این مطلب مجوز گرفته و وارد صفحه شده است. خیلی از آن‌ها که بعدها نویسنده ما شده‌اند کسانی بوده‌اند که ابتدا خواننده ما بوده‌اند. یعنی ابتدا در «تقد خوانندگان» نوشته‌اند و بعد که ما برای همکاری دعوت‌شان کرده‌ایم از آن‌ها خواسته‌ایم که تقد بنویسند بلکه به آن‌ها سفارش تهیه خبر و گزارش داده‌ایم. چون کسی که دوبار نقدش چاپ می‌شود انگیزه‌اش کم و به‌نوعی ارضا می‌شود. به عبارتی ما فیلترها و استانداردهایی داریم که اجازه نمی‌دهد نیروهای مجله کیفیت‌شان پایین بیاید. خیلی از چهره‌های شاخص نقدنویسی سینمای ایران با چنین استانداردهایی کارشان را شروع کرده‌اند از جمله آقای طالبی‌نژاد، آقای اسلامی و خیلی‌های دیگر که حتی بعضی از آن‌ها بعدها جذب سینما شدند. برای نمونه آقای رضا میر کریمی از رزنان برای ما نقد می‌فرستاد و بعد فیلم‌ها شد. همیشه این دغدغه را داشته‌ایم که چیزی که چاپ می‌شود باید بهترین باشد. هیچ‌وقت کوتاه نیامده‌ایم و فکر کنم نتیجه‌اش هم چیز خوبی شده است.

گرفت افراد ثابت به تحریریه مجله پیوستند که زندگی‌شان تنها از این راه می‌گذشت و هنوز هم می‌گذرد.

■ **شما علاوه بر اینکه روزنامه‌نگار باسابقه‌ای در حوزه تخصصی تان هستیید، به‌نوعی کارفرمای این کار هم به حساب می‌آیید. راستش در این چند روز که بحث بیمه خبرنگاری را دنبال می‌کردیم زیاد پیش آمد که پنبه برخی کارفرماهای رسانه‌ای زده‌شد! ما دوست داریم از زبان شما و از زاویه نگاه کارفرما در حرفه روزنامه‌نگاری هم به مشکلات صنفی این حرفه نگاهی بیندازیم.**

ما به‌عنوان کارفرما مشکلاتی داریم که خاص جامعه ما و برخی از آن‌ها خاص مطبوعات است. وقتی در دنیا صحبت از شرکت‌های بزرگ می‌کنید می‌بینید که همه آن‌ها با قدم‌های کوچک شروع کرده‌اند و بزرگ‌تر شده‌اند. اما متأسفانه در مطبوعات و یا کلا عرصه فرهنگ در وضعیتی بوده‌ایم که این گسترش نه‌تنها شکل نگرفته بلکه حتی اندازه این عرصه تحلیل رفته است. روز به‌روز از تعداد مخاطبان و فروش مجلات کاسته شده‌و از طرف دیگر خدماتی که برای انجام کار باید دریافت می‌کرده‌ایم گران‌تر شده‌اند. در نتیجه ما کارفرماهایی شده‌ایم که آرزوی کنیم کارفرما نباشیم. چون هر چقدر هم در طرف دیگر این رابطه کاری اوضاع بد باشد، دیگر این دغدغه و مسئولیت را ندارید که حقوق تعدادی از همکارانتان را بدهید یا بیمه آن‌ها را رد کنید ... با این حال اگر بخواهم در مورد کارفرما بودن خودمان حرف بزنم باید با قاطعیت بگویم طی ۲۵سالی که مجله فیلم منتشر می‌شود امکان نداشته که پرداخت حقوق یک‌روز تاخیر داشته باشد، یا حق‌التحریرهای نویسندگان ما یک روز بعد از انتشار مجله پرداخت نشود! امکان نداشته که در این زمینه تاخیری داشته باشیم.

نزدیک‌تر

برخلاف روحیه‌ای که الان در جامعه مطبوعاتی حاکم است و مدام می‌گویند اوضاع خراب است، ما همیشه تلاش داشته‌ایم به همکارانمان نشان دهیم که اتفاقا اوضاع مجله خیلی هم خوب است! چون اعتقاد داریم القای این بد بودن روی کار همکاران ما تاثیر بد می‌گذارد و ترکش‌های آن برمی‌گردد به سمت خود ما. نویسنده مجله فیلم باید احساس کند در جایی کار می‌کند که خیلی اوضاع آن خوب است. تا حالا کسی از من نشنیده که بگویم اوضاع خراب است.